افزایش ۳۹ درصدی مشارکت زنان در تحقیق و توسعه

منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، گفت: براساس آمار یونسکو، وضعیت مشارکت و سهم بانوان ایرانی در حوزه تحقیق و توسعه در بخش آموزش عالی از ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۳۹/۶ درصد در سال ۲۰۱۷ رسیده است. بانوان فرهیخته با تلاش و کوشش، مثال زدنی خود توانسته‌اند به بسیاری از پیشرفت‌ها و کسب رتبه‌های بالا در عرصه آموزش عالی دست یابند به طوری که در منطقه، جهان اسلام و حتی کل جهان بی‌نظیر است.

روزهای بی‌قراری بی هیچ توقعی

خردروایتی از همسر شهید مدافع حرم قاسم علیزاده

بتول خانم غریبانه حرف می‌زند، خیلی غریبانه و بی‌توقع. انگار ۳۰ سال زندگی با سیدقاسم خوب به او آموخته است نباید از هیچ کس هیچ توقعی داشته باشد. پدر سیدقاسم روحانی بود و به همراه مادرش در عراق حضور داشتند. پیشه‌اش نانوایی بود و قاسم هم خیلی خوب حرف پدر را فراگرفته بود. مادر و پدر بتول خانم هم مدتی در عراق بودند. با هم فامیل دور بودند و زمزمه‌های این تبادل علاقه حدود ۳۰ سال قبل به زبان آمده بود. روزهای آخر جنگ بود که بتول خانم همسر سیدقاسم شد. او هم جبهه‌هایش را رفته بود. ۲ برادر قاسم شهید و ۳ برادر دیگر جانباز شده بودند.

شنیده بودیم سیدقاسم دست خیر داشت و دعای خیرش هم ردخور نداشت. «سید نانوایی اجاره کرده و کار می‌کرد و هرروز صبح سهمی از نان پخت صبحش را برای کسانی که بضاعت نداشتند کنار می‌گذاشت. برای هر کسی هم که مریض می‌شد یا گرفتاری به سراغش می‌آمد، دست به دعا برمی‌داشت. روزهای تعطیل پای پیاده به زیارت می‌رفت. همیشه سر وقت نمازش را می‌خواند و نماز شب را هیچ‌گاه فراموش نمی‌کرد.»

وقتی قرار به رفتن شد، هیچ‌کس از ماجرای نیتش برای حضور در سوریه آگاه نبود. همه کارها را کرده بود. حتی گذرنامه هم گرفته بود، اما در نهایت ایده دومش را عملی کرد، ایده‌ای که از مدت‌ها قبل برای انجامش، لهجه افغانستانی تمرین کرده بود. گیگاه هم به بتول خانم از دوستانش می‌گفت که به سوریه رفته و شهید برگشته‌اند اما پاسخی که می‌شنید این بود: «شما به جنگ نروید. ما ۴ تا بچه داریم.» بتول خانم علاوه بر اینکه این‌ها را از دل تنگی می‌گفت، از حساسیت‌های دفاع از حرمین و جنگ با کفار آگاه بود و شاهد بود که شهدایی که در سال ۹۳ می‌آوردند بی‌سر بودند.

در نهایت، قرار شد سیدقاسم به عنوان یکی از فاطمیون به سوریه برود، با اسم و رسمی جدید. اسمش را گذاشت سید علی حسینی. روز اعزام قرار بود ساعت ۲ ظهر برود، اما ساعت ۱۰ صبح برای خداحافظی آمد تا پیش از آمدن بچه‌ها برود. می‌ترسید اگر بچه‌ها ببینند دست و دلش بلرزد و نتواند برود. فقط به همسرش گفت: «دعا کن بروم و دیگر برنگردم.»

حالا ۵ سال از شهادت سیدقاسم در پایین می‌گذرد. آن روزها چند نفر از فاطمیون به دیدار خانواده قاسم علیزاده رفتند و گفتند ۱۳۰ نفر در عملیاتی شرکت کرده و تنها ۳۰ نفر برگشته‌اند. به نظر می‌رسید همسر بتول خانم هم جزو نامه‌دهاست، اما شهادت همسر برایش سخت بود.

برای یافتن خبری از آنچه بر سید گذشته، روزهای شیدایی زیادی گذشت تا اینکه بالاخره فرمانده سید قاسم نامه‌ای کتبی امضا کرد که گواه شهادت او بوده است. «اینجا بود که باور کردم همسرم دیگر برنمی‌گردد. ۲ سال فقط گریه کردم و ضعف چشم‌هایم از همین مدت است. خیلی دوندگی کردیم تا جایی در بهشت رضا(ع) به ما بدهند و سنگ قبری به یاد همسرم داشته باشیم، اما مشکل اینجا بود که همسرم برخلاف خیلی از فاطمیون با نام خودش نرفته بود و همین موضوع مشکل ما را برای اثبات شهادتش چندبرابر کرده بود.» بالاخره سال ۹۶ بود که ۵۳ پیکر جاویدالاثر را تشییع کردند و یکی از آن‌ها سیدقاسم بود.

در طول این چند سال، بعد از شهادت سید، تنها یک یا ۲ مرتبه مسئولان برای دیدار از خانواده علیزاده رفته‌اند اما بتول خانم می‌گوید: «ما هیچ توقعی نداریم. همسرم برای رضای خدا رفت. ما هم طلبکار کسی نیستیم.»

عکس: سیده ماهرخ ابراهیمی/ شهرآرا

گفت‌وگو با حانیه مستأجر

بانوی مدال‌آور مشهدی در مسابقات اتومبیل‌رانی و دارنده کاپ اخلاق

ازدواج به شرط سرعت!

سعیده آل ابراهیم

اگر ردپای حضور زنان را در مسابقات اتومبیل‌رانی دنبال کنیم به سارا کرستین در سال ۱۹۲۹ می‌رسیم که عنوان اولین زن اتومبیل‌ران را از آن خود کرده است. امروزه به آسانی می‌توانیم فهرستی از مشهورترین رانندگان زن مسابقات اتومبیل‌رانی را از طریق موتورهای جست‌وجو مشاهده کنیم. از جمله لاله صدیق که بانوی اول اتومبیل‌رانی در کشور خودمان است. او با تلاش زیاد اتومبیل‌رانی بانوان را در مسابقات ایرانی تثبیت کرده است. این روزها در مشهد به همت حانیه مستأجر پیست مسابقه‌ای برای خانم‌ها مهیا شده است و آن‌ها در گروهی زنانه می‌توانند تمرین کنند. او یکی از بانوان اتومبیل‌ران فعال مشهدی است که در مسابقات مختلف مقام‌هایی را از آن خود کرده و امروز همه هم و غم خود را گذاشته است تا بتواند پیست مخصوص اتومبیل‌رانی بانوان مشهد را برای مسابقات کشوری آماده کند. او هم‌چنین معتقد است چنانچه بانوان بتوانند در کنار رانندگی مشکلات فنی ماشینشان را تشخیص دهند، از خسارت‌های مالی جلوگیری می‌شود.

پدر اولین مربی‌ام بود

هیجان سرعت چیزی بود که با او زاده شده بود و همین موضوع پیش از اینکه به ده‌سالگی برسد رانندگی را برایش جذاب‌تر از بازی‌های کودکانه کرده بود. هر وقت سوار خودرو پدرش می‌شد، نمی‌توانست شیطنت از پدال‌ها و فرمان بردارد. تمایلش به رانندگی چیزی نبود که بتواند آن را کنترل کند. به همین دلیل، پیش از رسیدن به سن شناسنامه‌ای مجاز، پشت رول نشست. از یازده‌سالگی کنار دست پدر رانندگی کرد و کم‌کم چم و خم چهارچرخ زیر دستش آمد. از زمانی که به یاد داشت، عشق به ماشین رهایش نکرده بود. به همین دلیل، همان روزهایی که در کنار پدر و در مسیرهای خلوت و بدون تردد رانندگی می‌کرد، شرکت در یک مسابقه رانندگی در آینده را در ذهن خودش قطعی کرده بود. حانیه مستأجر دهه هفتادی و اصالتش مشهدی است. البته او را از کودکی بیش از حانیه به نام شادی صدا کرده‌اند. از یازده‌سالگی کم و بیش به طور کامل رانندگی را بلد بود، اما گواهی‌نامه نداشت. او از دوران کودکی، رشته‌ای را انتخاب کرده بود که میان بانوان چندان شایع نبود. اما حالا او ۴ سالی می‌شود که در مسابقات پیست شرکت کرده و حرفه‌ای‌تر از قبل این رشته را دنبال می‌کند.

اسلام‌ورم در نزد زنان بیشتر هوادار دارد

بعضی از بانوان به پیست می‌آیند، اما آن را که مسابقه است و گاهی ماشین‌ها با هم برخورد می‌کنند. گاهی هم باید برای ماشین هزینه کرد. به همین دلیل است که در رشته سرعت، هنوز در کشور جز تعداد بسیار اندک‌شماری از بانوان، کسی دیگر فعال نیست. در استان‌هایی مانند یزد، کرمان، اصفهان بانوانی در رشته اسلام‌ورم یعنی همان رانندگی با مانع فعال هستند که حرکات نمایشی انجام می‌شود. در این مسابقات زمان مهم است و زنان چندان به سرعت علاقه‌مند نیستند.»

هزینه‌ها و اعتماد به نفس پایین دلایل عدم حضور زنان در پیست

او شوق به پیست را توانسته است به خویشاوندان هم سرایت بدهد و در مسابقه اخیر، ۲ نفر از بانوان فامیلشان را نیز با خود همراه کرد. علاوه بر این، بانوان زیادی به عنوان تماشاچی مسابقه‌های اتومبیل‌رانی را دنبال می‌کنند و مستأجر معتقد است که اگر بستر امنی فراهم شود، خیلی از این بانوان می‌خواهند به پیست بیایند. «دلایل دیگری که بانوان کمتر سراغ پیست می‌آیند هزینه‌های بالا و اعتماد به‌نفس پایین خودشان است. به نظر من، کسی که وارد رشته اتومبیل‌رانی می‌شود باید تصادف، هزینه و موارد دیگر را به جان بخرد. در این رشته اگر بترسیم، جای پیشرفتی نداریم.»

شرکت در پیست، شرط ازدواج

همه‌چیز در زندگی او حول محور عشق به خودرو و پیست می‌چرخد آن‌قدر که شرط ازدواج او با همسرش این بود که بعد از ازدواج هم بتواند در مسابقات شرکت کند. البته همسر او که نیز در پیست و رشته درگ (مسابقه شتاب) حضور دارد آن را پذیرفت. «هروقت خسته می‌شوم، همسرم شرط ازدواجمان را یادآوری می‌کند و به من انگیزه می‌دهد. او مشوق خوبی است به‌ویژه به این دلیل که معتقد است پیست بانوان می‌تواند یک قدم بسیار مهم در ورزش استان باشد. شرایط اقتصادی بانوان را کمی محتاط کرده است اما به نظر می‌رسد هنوز هم افرادی هستند که دلشان می‌خواهد سرعت را در فضایی زنانه تجربه کنند.»

شرکت در رشته اتومبیل‌رانی به صورت حرفه‌ای خوش‌برخورد است و حتی شور و هیجان سرعت و رقابت در لحن صحبتش محسوس است. حالا او یکی از بانوانی است که در پیست سرعت مشهد فعال هستند. یک خودرو ۴۰۵ نقره‌ای از همان هجده‌سالگی همدم روزهای شرکت در پیست و هیجان و استرس رانندهای مسابقه اوست. اسمش را «سزار» به معنای قدرتمند و جنگجو گذاشته است و خاطرات خوش زیادی در مسابقات با هم رقم زده‌اند. حانیه تک‌دختر خانواده بود و برای ورود به این رشته و البته اینکه درس را رها کرد، با مقاومت خانواده هم روبه‌رو شد، اما انگار کتاب زندگی‌اش از پیش نوشته بود و می‌دانست که این مقاومت‌ها یک روزی به پایان می‌رسد. «پدرم کارمند بانک بود اما نمی‌دانم این عشق ماشین از کجا در دل من ایجاد شده بود. به همین دلیل، بعد از دیپلم، خیلی سریع برای دریافت گواهی‌نامه اقدام کردم. خانواده‌ام ابتدا نگران بودند اما پدرم که روحیه من را می‌شناخت، می‌گفت وقتی به رشته اتومبیل‌رانی علاقه‌مندم، همان را ادامه بدهم و البته مشوق من در رانندگی هم بود.» میان آشنایان و خویشاوندان کسی نیست که سراغ رشته اتومبیل‌رانی رفته باشد اما این رشته مانند یک آهن‌ربا او را به خودش جذب کرد. «حتی پدرم در رانندگی محتاط است. اوایل اگر می‌خواستیم جایی برویم، سوار ماشین من نمی‌شد و ترجیح می‌داد با تاکسی بیاید چون به نظر او رانندگی من پرخطر بود. مادرم هم از رانندگی‌ام می‌ترسید، اما حالا دیگر این‌طور نیست.»

جای سرعت و هیجان رانندگی فقط در پیست است

چند روز بیشتر از تولد هجده‌سالگی‌اش رد نشده بود که آزمون داخل شهری را در همان مرتبه اول قبول شد. اما این چیزی نبود که او را راضی کند و از همان روزها شروع به تحقیق برای شرکت در مسابقات و پیست کرد. «قبل از اینکه در پیست شرکت کنم، علاقه به سرعت با من همراه بود و برخی اوقات در خیابان‌ها با سرعت رانندگی می‌کردم. مشتاق بودم، اما متأسفانه کارم خیلی اشتباه بود. همین موضوع برایم دردسرساز شد و تصادف کردم. به یاد دارم ماشینم در بولوار وکیل‌آباد ۳ بار دور خود چرخید و در نهایت به نرده‌های کنار بولوار برخورد کرد و ایستاد. خوشبختانه برای دیگران و خودم آسیب خاصی اتفاق نیفتاد، اما باعث شد زودتر برای شرکت در مسابقات اقدام کنم و متوجه شدم جای سرعت و هیجان رانندگی فقط در پیست است.»

سال ۹۶ طی پرس‌وجویی که درباره پیست کرده بود به این نتیجه رسید که نیاز به ثبت‌نام و پرداخت هزینه سالانه دارد. آن زمان ۲۰ سال داشت و اوایل از ترس اینکه خودرواش در تمرین صدمه ببیند، دست و دلش به این کار نمی‌رفت، اما در نهایت، زور عشق به پیست و هیجان، به ترس او چربید. تمرین را شروع کرد و به قدر یک سال تجربه کسب کرد. «بعد از آن مدت، قرار بود مسابقه‌ای برگزار شود و من تصمیم گرفتم که در آن شرکت کنم و این آغازی برای شروعی دوباره بود.»

هزینه بر است و مستأجر به طور میانگین هر ۲ ماه، چهار حلقه لاستیک خودرو خود را تعویض می‌کند و جدا از آن هزینه‌های موتور، بدنه و زیبایی خودرو هم در جای خود باقی است. «خیلی دوست داشتم که مکانیک خودرو شوم یا اینکه بتوانم کلاس‌هایی برای آموزش مسائل فنی برای بانوان بگذارم. همسرم مکانیک است و خیلی از کارها را به من هم یاد می‌دهد. یکی از برنامه‌های زندگی‌مان این است که در آینده یک مکان برای خدمات خودرو ایجاد کنیم و بتوانیم با هم کار کنیم. من و همسرم رابطه بسیار نزدیکی با هم داریم و این درک متقابل باعث شده است ایشان با مشکلاتی که خانم‌ها هنگام رانندگی ممکن است با آن برخورد کنند آشنا باشد. این روزها به‌وضوح می‌توانیم ببینیم که بانوان زیادی در خیابان با ماشین شخصی خودشان رفت‌وآمد می‌کنند و دیگر شرایط مثل گذشته نیست که کسی از رانندگی یک زن تعجب کند. اگر در کنار رانندگی، زنان خیلی زود متوجه نقص فنی ماشین خودشان هم شوند و برای رفع آن مراجعه کنند، خسارت‌های مالی کمتری هم خواهند دید. من خیلی علاقه‌مندم که در کلاس مسابقه بتوانم شرایطی داشته باشم که درباره خودرو به خانم‌ها آموزش‌هایی را بدهم. گاهی حتی افراد می‌توانند از صدای موتور ماشینشان هم متوجه عیب فنی آن بشوند. در کلاس‌های آموزش رانندگی فقط یک سری مسائل تئوری که در ذهن هم نمی‌ماند گفته می‌شود اما راننده باید بداند در چه شرایطی سوار ماشین می‌شود. حتی بسیاری از جزئیات در خرید ماشین هم تأثیر دارد و فقط ظاهر و رنگ و سال ساخت اهمیتی ندارد که بانوان باید به آن دقت داشته باشند.»

مستأجر پیش از اینکه وارد این رشته شود، خیلی شنیده بود که این کار درآمدی ندارد. با این حال، معتقد است این پولی است که برای رسیدن به خواسته و هدفش صرف کرده است و به مرور زمان می‌تواند جایگاه خودش را پیدا کند: «هنوز هم گاهی چنین صحبت‌هایی را می‌شنوم. برخوردهای فامیل با من نه خیلی منفی و نه خیلی مثبت است، اما برای من هدفم مهم است که اکنون شرکت در مسابقات سرعت کشوری است و بعد از آن به جهانی هم فکر می‌کنم.» مانند هر چیز دیگری که امسال دستخوش کرونا قرار گرفت، پیست تامن مشهد در شادیز هم که تنها پیست این شهر است و مسابقات دریفت، اسلالوم، سرعت، موتورسواری و ... را برگزار می‌کند، حدود ۶ ماه تعطیل بود. «در این مدت که پیست تعطیل بود، افسردگی گرفته بودم. زمانی که خودرو را برای تعمیر می‌برم، انگار چیزی در زندگی‌ام کم است.»

امنیت پیست‌های ایران در مقایسه با جهان کم است

مستأجر می‌گوید امنیت پیست‌هایی که در ایران داریم در مقایسه با پیست‌های جهانی صفر است، اما اگر بخواهیم پیست‌های داخل کشور را مقایسه کنیم، پیست آزادی تهران و بعد از آن پیست تامن مشهد بهتر و حرفه‌ای‌تر هستند. «زمانی که در پیست تمرین می‌کنیم، خبری از استقرار تیم اورژانس نیست مگر اینکه مسابقه داشته باشیم، اما خوشبختانه تا به حال که در مسابقات شرکت کرده‌ام، اتفاق خاصی نیفتاده است که نیاز به اورژانس و آتش‌نشانی باشد.»

او تا به حال ۲ مورد رتبه سوم، یک مورد رتبه دوم در کلاس بانوان و یک کاپ اخلاق را در مسابقات به خود اختصاص داده است که البته کاپ اخلاق برای او ارزشمند است زیرا افرادی را دیده است که در حین مسابقه خودرو رقیب خود را ناکار می‌کنند تا نتواند به رقابت ادامه دهد یا حتی بعد از پیست، دعوا راه می‌اندازند، اما مستأجر تنها هدفش مسابقه در شرایطی عادلانه است.

او می‌خواهد اگر شرایط جسمانی بدنش اجازه بدهد تا پنجاه سالگی یا بیشتر به مسابقات اتومبیل‌رانی ادامه بدهد. اما این تصمیم هم ملزم به شرایط زندگی‌اش است زیرا مادرانگی برای او اهمیت دارد. می‌خواهد همسرش همیشه در کنارش باشد و برای هر برنامه‌ای، هردو تصمیم می‌گیرند. بنابراین اهداف و آرزوهایشان یکی است و تا جایی که در کنار هم هستند، این راه را با یکدیگر ادامه می‌دهند. «زمانی که اولین رام مقام آوردم، از شوق می‌خواستم گریه کنم. هنوز هم زمانی که رتبه می‌آورم در پوست خودم نمی‌گنجم. راستش شوهرم هم به اندازه خودم خوشحال می‌شود.»

الگوی او در مسابقات اتومبیل‌رانی، لاله صدیق است که اولین بانوی اتومبیل‌ران ایران محسوب می‌شود، بانویی که در مسابقات جهانی نیز شرکت کرده است. صدیق نیز اوایل، شنیدن صحبت‌ها درباره دست‌فرمان بانوان را سخت‌تر از شرکت در مسابقات می‌دانست. «این روزها دیگر بانوان در بسیاری از رشته‌های ورزشی و علمی فعال هستند. به‌ویژه در سال‌های اخیر آمار دانش‌آموخته‌های دانشگاهی، خود، نشان‌دهنده این حضور اجتماعی است. دست کم من هیچ مانعی نمی‌بینم که یک زن نتواند به آنچه علاقه دارد برسد. در مشهد همه شرایط برای حضور بانوان در رشته‌های مورد علاقه شان فراهم است. اگر پشتکار وجود داشته باشد، همسران بهترین همراهان خواهند بود. هم اکنون هم برای ورود به پیست بانوان، هیچ محدودیتی نگذاشته‌ایم. هر کسی با هر ماشینی می‌تواند در کلاس‌بندی ماشین‌ها شرکت کند. البته ماشین باید از نظر فنی آماده باشد. نیازی نیست بانوان به محض وارد شدن به این رشته هزینه خیلی سنگینی را متقبل شوند. این روزها در شرایط همه گیری کرونا، برخی عضو گیری‌ها در پیست بانوان با تأخیر انجام می‌شود اما امید می‌رود در آینده نزدیک، با رفع بحران همه‌گیری، مسابقات بانوان از سر گرفته شود.»

درسال‌های اخیر آمار فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، خود، نشان‌دهنده این حضور اجتماعی است. حداقل من هیچ مانعی نمی‌بینم که یک زن نتواند به آنچه علاقه دارد برسد. در مشهد همه شرایط برای حضور بانوان در رشته‌های مورد علاقه‌شان فراهم است.

بعضی از بانوان به پیست می‌آیند، اما آن را خیلی دنبال نمی‌کنند و کارشان را مقطعی انجام می‌دهند. بعد از چند ماه این کار را رها می‌کنند. این موضوع به همین دلیل است که در رشته سرعت، هنوز در کشور جز تعداد بسیار اندک‌شماری از بانوان، کسی دیگر فعال نیست. در استان‌هایی مانند یزد، کرمان، اصفهان بانوانی در رشته اسلالوم فعال هستند که حرکات نمایشی انجام می‌شود. در این مسابقات زمان مهم است و زنان چندان به سرعت علاقه‌مند نیستند.

پاسخ به پرسش‌های حقوقی بانوان

شهرداد
زهرا شوشتری
کارشناس حقوق

از ابتدای آذرماه به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

من در شرکتی مشغول به کار هستم و آخر اسفند قرارداد م پایان می‌یابد. بنده مایل به ادامه همکاری نیستم و می‌خواهم بعد از اتمام قرارداد، دیگر تمدید نکنم. آیا از قبل باید اطلاع بدهم؟ با توجه به اینکه سفته ضمانت حسن انجام کار هم دارم. از طرفی، ۲۰ روز از مرخصی من باقی مانده است که اعلام کردند بازخرید نمی‌کنیم و باید استفاده کنید، اما کارفرما با درخواست مرخصی مخالفت می‌کند. چه باید کرد؟

با انقضای مدت قرارداد، دیگر نیازی نیست شما قطع همکاری خود را با شرکت اعلام کنید. درباره مرخصی نیز درخواست کنید. مطابق قانون کار، می‌توانید ۹ روز آن را هر سال ذخیره کنید. در صورت مخالفت، می‌توانید از طریق اداره کار، الزام کارفرما را در این باره بخواهید. یادآوری می‌شود تاریخ استفاده از مرخصی با توافق کارگر و کارفرما تعیین می‌شود و در صورت اختلاف، نظر اداره کار و امور اجتماعی محل ملاک است.

طلاق توافقی چه‌قدر زمان می‌برد؟

درباره مدت فرایند طلاق توافقی رویه یکسانی وجود ندارد و نمی‌توان زمان قطعی را پیش‌بینی کرد. با توجه به اجباری بودن مشاوره قبل از طلاق، ابتدا باید جلسات مشاوره برگزار و بعد از آن دادخواست طلاق توافقی ثبت شود. بعد از ثبت دادخواست نیز زمان جلسه رسیدگی و صدور رأی به شعبه‌ای بستگی دارد که دادخواست به آن ارجاع می‌شود. لذا با توجه به این موارد، زمان رسیدگی و صدور رأی از شعبه‌ای به شعبه دیگر متفاوت خواهد بود.

من فرزندی ندارم. برای قبول سرپرستی باید از کجا اقدام کنم؟ اگر همسرم مخالف باشد، می‌تواند از طریق قانون جلو رود کار را بگیرد؟

قبل از اقدام، باید در نظر داشته باشید که یکی از شرایط اصلی سرپرستی کودک، رضایت و توافق زوجین سرپرست است. اگر یکی از زوجین با سرپرستی یا فرزندخواندگی مخالف باشد یا رضایت خود را به دادگاه اعلام نکند، تقاضای سرپرستی پذیرفته نخواهد شد.

بعد از اخراج غیرموجه، درخواست بازگشت به کار دادم و به احتمال زیاد رأی تشخیص بازگشت به کار خواهد بود. با این حال مبلغ قراردادی که امضا کردم‌ام حداقل حقوق وزارت کار بوده است. در صورتی که دریافتی‌ام بیشتر بوده است. بابت دریافتی‌ام صورت‌حساب واریز بانک را ارائه کردم. اکنون در صورت حکم بازگشت به کار و با توجه به انتهای سال و اینکه قرارداد من تا آخر سال بوده است و حکم پس از پایان قرارداد من خواهد آمد، ملاک پرداختی به من چه خواهد بود؟ بیمه و واریزی و دریافتی من با مبلغ مندرج در قرارداد؟

مطابق آیین دادرسی کار، اثبات بیش از حداقل دستمزد به عهده کارگر است. اگر کارگر بتواند با استفاده از دلایلی مانند فیش حقوقی، پرینت حساب و ... ثابت کند حقوق وی بیش از مبلغ قرارداد کار است، ملاک محاسبه حقوق دریافتی خواهد بود نه حقوق درج شده در قرارداد یا لیست بیمه.

آیا بخش مشاوره دادگاه‌ها بدون دادخواست طلاق هم مشاوره رایگان می‌دهند؟

بخش مشاوره دادگستری و کانون وکلا برای ارائه راهکارهای قضایی پیش از ثبت دادخواست با حین روند رسیدگی است. حتما لازم نیست دادخواست طلاق ثبت شده باشد تا مشاوره صورت گیرد.

مهرانو
تکتم جاوید
کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

شاید انتخاب‌های گذشته هم اشتباه نبودند

پیش‌ترها رسم بر این بود که زن یا مرد برای تحقیق در ازدواج با فردی که سابقه زندگی مشترک و جدایی داشت، به سراغ همسر اولش می‌رفت تا نوع اخلاق و علت جدایی را از او بپرسد. گاهی در به‌در دنبال همسر سابق می‌گشتند و آن بنده خدا هم که در بیشتر وقت‌ها برای روبه‌رو نشدن با آدم‌های زندگی گذشته خودش را گم و گور کرده بود، در رودربایستی قرار می‌گرفت و حرف می‌زد. شاید هم احساس دین می‌کرد که باید حقایق آن آدم را شرح بدهد. این روزها البته نمی‌بینم و نمی‌شنویم که کسی دنبال همسر سابق بگردد. یک دلیلش این است که تعداد طلاق‌ها زیاد شده است و مانند گذشته، قبح نداره. دلیل دیگرش پذیرفتن طرف مقابل با همه خوبی‌ها و بدی‌های احتمالی است یا پذیرش اینکه هر آدمی ایرادی دارد. اگر بیشتر دقت کنیم، دلایل دیگری هم پیدا می‌شود. نمونه‌اش اینکه زن و مردهای امروزی که می‌دانند می‌توانند آسان‌تر از گذشته طلاق بگیرند یا تجربه‌اش کرده‌اند، دلیلی برای تحقیق نمی‌بینند. حالا تحقیق هم کار ساده‌ای نیست. از کجا می‌خواهید بگردید و جزئیات زندگی طرف مقابل را پیدا کنید وقتی بیشتر زندگی آدم‌ها به شبکه‌های اجتماعی و آدم‌های داخل آن خلاصه می‌شود، در حالی که همسایه نمی‌تواند چنین اطلاعات درستی به شما بدهد؟ این‌ها را که کنار بگذاریم، یک مشکل دیگر هم در تحقیق در گذشته و در حال (اگر وجود داشته باشد) هست. اگر تجربه تحقیق از همسر قبلی فردی را داشته باشید ماجرایش را شنیده باشید، می‌دانید که آدم‌ها همیشه چهره‌ای منفور از همسر سابق خود به نمایش می‌گذارند. آن‌ها مدام در حال «انارزنده» نشان دادن طرف دیگر بوده‌اند و هستند. برای همین، از یک جایی به بعد، همه می‌دانیم که «معلوم است همسر سابق همیشه بد می‌گوید!». اما آن حرف‌ها انگیزه‌هایی داشتند که از ناخودآگاه وجود آن آدم‌ها می‌آمد. پایان دادن به رابطه‌ای عاطفی، هرچند باعث آزار جسم و روحمان بوده باشد، سبب بروز اضطراب شدید در ما می‌شود. با یادآوری آن زندگی، انگار هربار خود را برای چنان انتخابی سرزنش می‌کنیم. خودسرزنشی عاملی است که می‌تواند روان ما را مانند خوره نابود کند. از سوی دیگر، همواره درباره فردی که روزی به او علاقه داشته و او را از دست داده‌ایم، احساس خشم خواهیم داشت. این خشم‌ها تا پایان عمر دست از سر ما برنمی‌دارند. با همه این گفته‌ها اگر به شنیدن سخنان همسر سابق اصرار دارید، این نکته‌ها را به خاطر بسپارید. بدیهی است کاربردی‌ترین توصیه رفتن به نزد مشاوره پیش از ازدواج است تا سخنان علمی‌تر و دقیق‌تری درباره شخصیت همسر آینده‌تان بشنوید.

این مشاوره به شما کمک می‌کند آسان قضاوت نکنید و بدانید مسیر را چگونه باید طی کنید. گاهی یک فرد سوم که روزانه با افرادی شبیه شما برخورد دارد بهتر می‌تواند کمک کند.

صدف
نفیسه زمانی
کارشناس ارشد پژوهش هنر

دختران برزین و بهرام گور

نگاهی کوتاه به زنان در شاهنامه

در زمان بهرام گور، شاه ساسانی، برزین نامی زندگی می‌کرد. برزین را باغی فراخ بود و کاخی در میان باغ داشت. خداوندگار ۳ دختر به نام‌های ماه‌آفرید و فرانک و شنبلید بخشیده بودش.

مهین‌دخت را نام ماه‌آفرید
فرانک دگر بد و سیم شنبلید

دختران روی زیبا و چشمان خیره‌کننده‌ای داشتند. چون دختران به سن جوانی رسیدند. هرکدام در بین خویشاوندان صاحب نام و جایگاهی شده بودند.

به رخ چون بهار و به بالا بلند
به ابرو کمان و به گیسو بلند

در همین زمان، شاه ایران نیت نخجیر کرد. بهرام گور هر ۷ سال به قصد شکار به سوی دریا عزیمت می‌کرد. در این عزیمت، به نخجیرگاه ۳۰۰ سوار از بزرگان و چند تن از نوازندگان با فیل‌ها و چندین شاهین و باز بهرام‌شاه را همراهی می‌کردند. در پس این کاروان نیز مرغبی عظیم‌الجثه که خاقان به شاه ایران پیشکش کرده بود قرار داشت. مرغ سیاه‌رنگ چشمانی نافذ داشت و زنگی به پایش بسته بودند. چون به دریا رسیدند، ناگاه مرغ سیاه ناآرام شد و به پرواز درآمد و بهرام‌شاه دل گرفته شد. با چندی از سپاهیانش، به دنبال آن دوان گشتند که ناگاه به باغ برزین رسیدند. در میان باغ، آبگیری قرار داشت. بهرام در کنار آبگیر پیرمردی دید نشسته با ۳ دختر تاج فیروزه بر سر. رخ دختران همچون بهار و قدشان چون سرو بود. بهرام چون آن زیبارویان را دید خیره شد. برزین که از دیدار شاه دلش غمگین گشته بود و متعجب از آمدن بهرام، نزد شاه رفت و بر زمین بوسه زد. شاه ماجرای پریدن مرغ را به او گفت. برزین که لختی پیش ورود پرنده را به باغ دیده بود، نشان آن را در باغ به بهرام داد. بهرام امر کرد به دنبال مرغ بروند. برزین نیز از شاه خواست رخصت میزبانی به وی دهد و شاه پذیرفت. برزین رو به دخترانش گفت نوازندگی کنند. هریک به هنرنمایی مشغول شد. بهرام به برزین گفت: این دختران را پدر کیست؟ برزین پاسخ داد: چنان دان که این دختران من‌اند
پسندیده و دلبران من‌اند

بهرام نیز رو به پدر دختران، گفت هرگز دامادی بهتر از من تو را نباشد. ۳ دختران را به همسری من درآور. برزین پاسخ بداد که اگر تو مرا به پرستندگی تخت شاهی و تاج شاهوارت پذیرا باشی، پس چه نیکوست دخترانم کنیز تو باشند. بدان که در ایوان من از برای ایشان به رسم بزرگان شترانی با بار جواهر و زر و ... هست. شاه رو به برزین گفت: هر آنچه داری برای خودت نهان دار. فرمان داد تا تخت‌های روان را بیاورند و دختران را به سرای شاهی روانه سازند. دختران برزین با کنیزان رومی راهی شدند. در راه، هرکه از نشان شاهی آگاه می‌شد، بر آن نیکو رویان غبطه می‌خورد.

در تشویق زنان تلاشگر کارآفرین سهیم شوید

دور هشتم رأی‌گیری برای انتخاب زنان کارآفرین از ۱۵ تا ۱۵ بهمن‌ماه تا ۵ اسفند در حال برگزاری است. علاقه‌مندان می‌توانند از طریق لینک vote.women.gov.ir حداکثر به ۱۰ نفر رأی دهند. این انتخابات با هدف آشنایی و تشویق مردم و جوامع محلی با کارکرد معرفی بانوان برانگیزه ایجاد شده است. در دوره‌های مختلف، کارآفرینان خراسانی رتبه‌های مطلوبی به خود اختصاص داده‌اند.